



«همکارت» تو را به جهنم نبرد!

انسان معمولاً در چهار محیط روش می‌گیرد؛ اول محیط خانوادگی، بعد هم محیط آموزشی تحصیلی، سوم محیط رفاقتی و چهارم محیط شغلی است و فضای پنجمی هم حاکم بر همه این محیط‌ها داریم که بعداً به آن می‌رسیم.

انسان معمولاً در چهار محیط روش می‌گیرد؛ اول محیط خانوادگی، بعد هم محیط آموزشی تحصیلی، سوم محیط رفاقتی و چهارم محیط شغلی است و فضای پنجمی هم حاکم بر همه این محیط‌ها داریم که بعداً به آن می‌رسیم. بحث ما در جلسه گذشته، درباره محیط چهارم یعنی «#محیط شغلی» بود. بنده عرض کردم که در محیط شغلی، روش گرفتن انسان در سه رابطه مطرح است؛ اول، نسبت به نفس شغل است که خود شغل فی‌نفسه، روی انسان اثر گذار است و ممکن است اثر تخریبی یا سازندگی داشته باشد. دوم، محیطی است که انسان در آن، اشتغال به امور معیشتی دنیایی‌اش دارد و سوم، روابط انسان نسبت به مراجعین شغلی است.

بحث ما در مورد رابطه دوم بود. ما نفس شغل و اثر گذاری آن را بحث کردیم و گفتیم که به طور کلی شغل‌ها دوگونه هستند: شغل‌هایی که در ابعاد گوناگون انسانی و معنوی، بر روی انسان نقش سازندگی دارند و شغل‌هایی که نقش تخریبی دارند. مسأله نفس محیط را هم در جلسه گذشته مطرح کردم و به روایات متعددی اشاره کردم که یک بحث کلی بود و ما همه مطالب را از روایات استفاده کردیم.

«#فضای کاری» جدای از «#خود شغل» است!

آن بحث کلی این است که محیط و فضایی که انسان در آن است، روی انسان مؤثر است. اگر در نظرتان باشد، آخر جلسه روایتی از پیغمبر اکرم نقل کردم که حضرت فرمودند: «#السوقُ دارُ سهو و غفله»؛ بازار محل فراموشی و لغزش است. حضرت تعبیر به «#سوق» فرمودند که مراد همان فضای محل کسب است، فضایی که انسان در همان فضا قرار می‌گیرد و به سوی مادیّت می‌رود.

ما این مطلب را به طور کلی داریم و من، همانند نفس شغل که دوگونه بود، فضای شغل انسان را هم به دوگونه سازنده و مخرب تقسیم می‌کنم. ممکن است که خود شغل خوب باشد، اما فضا، فضای مسمومی باشد و یا بالعکس. به تعبیر ساده‌تر، بحث ما جو غالب و فضای حاکم بر محیطی است که انسان در آن مشغول به کار است.

شیطان فرصت طلب است

اگر این جو و این فضا، فضای مادیّت باشد، از نظر طبیعی این‌طور است که آن عوامل درونی انسان که با امور دنیوی و مادی مرتبط است، زنده می‌شوند. این درون ما وجود دارد و هیچ شبهه‌ای نیست. به طور کلی، هواهای نفسانی، وهمی، شیطنت و همه اینها در ما وجود دارد. اگر فضای حاکم، فضای مادی باشد، هواهای نفسانی درون من را زنده می‌کند و این را بدانید که شیطان، چه درونی و چه بیرونی، فرصت طلب است. در روایت داریم که شیطان فرصت طلب است. این فرصت طلبی در هر فضایی برای انسان کاربرد ندارد. اگر فضا با اهداف شیطانی، مساعد باشد، این فرصت طلبی خوب کاربرد دارد. اما اگر مساعد نباشد، آنجا است که شیطان به زحمت می‌افتد.

شکارشدن، هنگام غوطه وری در مال

روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که حضرت فرمودند: «#إِنَّ الشَّيْطَانَ يُدِيرُ ابْنَ آدَمَ فِي كُلِّ شَيْءٍ» در بعض روایات به جای «#يُدِيرُ»، «#يُدِيرُ» هم دارد. آنهایی که اهلش هستند، به اصول کافی مراجعه کنند. آنجا هم «#يُدِيرُ» دارد و هم «#يُدِيرُ». «#فَإِذَا أُغْيَاهُ جِئَمٌ لَهُ عِنْدَ الْمَالِ فَأَخَذَ بِرَقَبَتِهِ». شیطان در هر چیزی دور انسان می‌چرخد تا او را به دام اندازد و هنگامی که خوب خسته‌اش کرد، او را به سینه روی زمین می‌خواباند و گردنش را می‌گیرد.

شیطان شکارچی باحوصله‌ای است!

اگر متن روایت «#يُدِيرُ» باشد، یعنی شیطان، انسان را دور می‌زند و دنبال فرصت برای شکار است. فرض کنید صیّادی، می‌خواهد شکاری را صید کند، دنبال فرصت می‌گردد تا در نهایت، صید خود را به دام بباندازد. شیطان این‌قدر دور انسان می‌گردد تا خسته‌اش کند. در پرنده‌ها این مطلب، خیلی روشن است. شکارچی به دنبال صید که می‌رود، بالا می‌رود، پایین می‌رود، این‌طرف

می‌رود، آن طرف می‌رود، شکار را رها نمی‌کند. وقتی که خسته‌اش کرد، آنجا است که او را می‌گیرد و با سینه به زمین می‌کوبد. در قرآن هم دارد که «#فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِعِينَ» یعنی اینها در خانه‌هاشان صبح کردند در حالی که سینه‌هایشان بر روی زمین بود.

وقتی که انسان خسته شود ...؛

حالا این فرصتی که شیطان به دست می‌آورد، چه وقتی است؟ حضرت فرمودند: «#فَإِذَا أَعْيَاهُ» یعنی وقتی که خسته‌اش کرد، «#جِئَمَ لَهُ عِنْدَ الْمَالِ» او را به سینه روی زمین می‌خواباند. وقتی بحث پول و مال است، بهترین فرصت است. در این زمان «#فَأَخَذَ بِرَقَبَتِهِ» از پشت گردنش را می‌گیرد و دیگر او نمی‌تواند تکان بخورد، همانجا شکارش می‌کند.

جو کار، زمینه ساز اسارت شیطان است

در فضا و محیطی که جوّ آن مادّیت است، در فضایی که تو برای کسب معیشت رفتی و می‌خواهی کار کنی و زندگی‌ات را بگذرانی، چون بحث مال مطرح است، بهترین فرصت برای شیطان است. محیط شغلی بهترین محیط است برای این که تو صید شیطان باشی. شیطان اینجا صیدت می‌کند. هر جا نتوانست تو را از پا در بیاورد، اینجا تو را از پا در می‌آورد. لذا جوّ حاکم بر محیط که جوّ مادّیت است، خود به خود زمینه‌ساز است برای این که انسان اسیر شیطان شود. خود جوّ، که باید با آن مبارزه کنی.

کار نکردن غلط است، در کارت هم دینداری کن!

پس آیا بگوییم حالا که این طور است، نمی‌رویم کار کنیم؟ خیر؛ سنگر را که نباید خالی کنی، باید بایستی. اصلاً دین‌داری کار مشکلی است. دین‌داری خیلی کار مشکلی است، ظاهر سازی کارآسانی است اما دین‌داری کار مشکلی است.

غفلت یعنی تضعیف بُعد معنوی

در روایت پیغمبر اکرم که جلسه گذشته گفتم، می‌خواستم توضیح دهم که حضرت می‌خواهد جوّ حاکم را بفرماید که در جوّ مادّیت، هواهای نفسانی که درون انسان هستند، زنده می‌شوند و قهراً آن بُعد معنوی‌اش تضعیف می‌شود که ما از آن تعبیر به غفلت می‌کنیم. محیط‌هایی که هم‌سو با امور شیطانی است، غفلت آور هستند. جلسه گذشته بقیه روایت را خواندم که یک تسبیح انسان در بازار، معادل یک میلیون تسبیح است؛ چون محیط و فضا اقتضای غفلت از خدا می‌کند و کسی که در این محیط، یاد خدا کند بسیار ارزنده است.

زندگی با مشرکین، موجب دوری از دین است

روایت از پیغمبر اکرم است که فرمودند: «#قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): بُرئت الذمه ممن اقام مع المشركين في ديارهم». این یک مطلب اساسی است؛ کسی که بخواهد برود در منطقه مشرکین، یعنی مکانی که جوّ حاکم بر آنجا جو شرک است، زندگی کند، برائت الذمه است. این شخص اصلاً با ما سر و کاری ندارد. ناخودآگاه از آنها تأثیر می‌پذیرد.

من قبلاً گفتم که تربیت از امور قصدیه نیست. محیط روی ما اثر می‌گذارد. این جوّ حاکم بر روی انسان اثر می‌گذارد. من دارم راجع به محیط شغلی بحث می‌کنم. محیط شغلی یک چنین محیطی است. تأثیرش ناخودآگاه است چون امور مادی است. اگر انسان با امور مادی سر و کار پیدا کرد، همان ابعادی که با مادّیت هم‌سو هستند، زنده می‌شوند.

قسم راست برکت را می‌برد و قسم دروغ سعادت را!

در گذشته این روایت را از علی(علیه‌السلام) گفتم که وقتی حضرت وارد بازار می‌شد، به تجار و کسبه خطاب می‌کرد که از خدا بترسید! قسم نخورید! قسم راست برکت را از مال می‌برد و قسم دروغ که انسان را به جهنم می‌برد. همه اینها جزو احکام و معارف ما است، آدابی است که در شرع ما وارد شده است.

محیط‌های سازنده

ما از نظر جو عکسش را هم داریم. همان‌طور که راجع به نفس شغل گفتم، همان راه را می‌روم. راجع به شغل گفتیم یک صنف شغل‌ها است مثل زراعت و چوپانی که اصلاً خود شغل سازنده است؛ در روایت هم داشتیم که این مشاغل مستحب هم هستند. عکسش هم وجود دارد، شغل‌هایی داریم که مکروه هستند و از آنها نهی تنزیهی شده است. فضاها هم به همین صورت است که برخی فضاها

تخریبی است، یعنی باید حواست را جمع کنی! و بر عکس، فضاهایی داریم که سازنده است. فضاهایی که با بُعد معنوی انسان هم‌سو هستند، نقش سازنده دارند؛ چون آن بُعد معنوی درونی را زنده می‌کنند.

مساجد، پاک‌کننده گناهان

در روایات تعبیرات فرق می‌کند، من چیزی را که مورد ابتلای همه باشد، می‌گویم. روایت از امام صادق (علیه‌السلام) است که فرمودند: **#171& عَلَیْكُمْ یَا بَنَی الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُیُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ مَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كُتِبَ مِنْ رُؤَاغِهِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ** بحث قبلی درباره اسواق بود، اینجا بحث مسجد است. من دارم بین اینها یک **#171&**؛ مقابله» درست می‌کنم. به مساجد که خانه‌های خدا بر روی زمین است، بروید. هر کس با طهارت به مسجد بیاید، خدا او را از گناهانش پاک می‌کند.

پاداش نفس کشیدن در مسجد

روایت دیگری از پیغمبر اکرم است که فرمودند: **#171& قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): يَا أَبَادَرُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ كُلَّ نَفَسٍ تَنْفَسُ تَرْجُو فِي الْجَنَّةِ** پیغمبر اکرم خطاب به ابودر می‌فرماید: تا موقعی که در مسجد هستی، هر نفسی که می‌کشی خدا یک درجه در بهشت تو را بالا می‌برد. **#171& وَ تَصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ** ملائکه برایت درود می‌فرستند. **#171& وَ تَكْتَبُ لَكَ كُلَّ نَفَسٍ تَنْفَسُ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ** هر نفس که می‌کشی ده حسنه برایت ثبت می‌شود.

تأثیر محیط مسجد بر انسان

همه اینها برای محیط است. همان‌طور که برای اسباب داشتیم این هم راجع به محیط است. می‌خواهد بفرماید: محیط‌هایی هست که انسان را از نظر بُعد انسانی و الهی، زنده می‌کند، توصیه می‌شود که به این محیط‌ها بروید و از آن طرف محیط‌هایی هست که باید حواست جمع باشد یک وقت شیطان فریبت ندهد.

همکاری که انسان را به جهنم می‌برد!

حالا من این را مدخلی برای سومین رابطه یعنی مراجعین، قرار می‌دهم. قبل از این که وارد مراجعین شوم به سراغ همکاری می‌روم، چون در روایات هم داریم. انسان همکاری را که انتخاب می‌کند باید غافل از خدا باشد یا همکاری که مذکر خدا باشد؟! این بحث در محیط شغلی مطرح است. مثلاً ما قبلاً هیچ رفاقتی با هم نداشتیم. محیط خانوادگی، رفاقتی و آموزشی‌مان هم از هم جدا بوده است و رابطه‌مان مربوط به محیط شغلی است. همکاری در ارتباط با محیط شغلی است. بسیار اتفاق افتاده است که همکاری نامناسب، انسان را به جهنم برده است.

من سرفصل‌ها را بگویم و رد شوم. این مطالب حتی در بحث شرکت هم مطرح است ولی تأثیر آن خیلی کمتر است. انسان باید مراقب باشد که می‌خواهد با چه کسی همکاری شود! یک وقت سرمایه‌گذاری است نه همکاری! این تأثیر چندانی ندارد. در همکاری هم، مسأله سرمایه‌گذاری مطرح نیست که مثلاً طرفین حتماً شریک در مال همدیگر نیز باشد. مهم این است که انسان در نهادها و سر کار، با چه کسی دارد کار می‌کند. یک وقت اشتباه نشود و عده‌ای نگویند که منظور سرمایه‌گذاری دو نفر با هم است! نخیر.

#171& حرف و #171& قیافه» همکاری تأثیر تربیتی دارد!

منظور من این است که تو در اتاقی که نشسته‌ای ببین چه کسانی در آنجا هستند؟ چه می‌گویند؟ چه قیافه‌هایی دارند؟ ما گفتیم: ابعاد تربیتی، دیداری، گفتاری و رفتاری است. هر روز که می‌روم آنجا چشمم به صورت چه کسی می‌افتد؟ حرف‌هایی که می‌زند به گوشم می‌خورد چیست؟ ممکن است کسی به او مراجعه کند و با من کاری نداشته باشد، ولی من که برخورد او با مراجعه کننده را می‌بینم و حرف‌هایش را می‌شنوم؛ پس باید در این دقت کنم.

نوع برخورد همکاری با مراجعین، روی من تأثیر می‌گذارد!

من مطالب را خیلی جزئی می‌گویم تا خیال نکنی مسأله همکاری شومی بردار است. باید حواسم باشد که هم‌کارم با مردم به چه سبکی عمل می‌کند؟ اینها خواه نا خواه اثر گذار است، یعنی خواه نا خواه از او روش می‌گیرم. من عرض کردم راجع به محیط، یک جو حاکم داریم که به آن معنا است، یکی هم در ارتباط با هم‌کارهایی است که من دارم با آنها کار می‌کنم؛ غیر از مراجعین، در مراجعین رابطه مستقیم است. اینها را از هم جدا کردم؛ در مراجعه رابطه مستقیم است.

در معارف ما از نظر تربیتی، یعنی روش گرفتن انسان همه اینها حساب شده است. او با زبان بی‌زبانی دارد به من روش می‌دهد و من هم بدون توجه روش می‌گیرم. بعد از یک مدتی این شخص دیگر آن شخص اول نیست، چون در این محیط کار می‌کند. همان‌طور که محیط تحصیلی و آموزشی، مؤثر است، همان‌طور که محیط خانوادگی اثر می‌گذارد، محیط شغلی هم مؤثر است. این محیط‌ها روی انسان اثر می‌گذارد، البته محیط‌های خانوادگی و آموزشی قوی‌تر است.

مراقب مراجعین هم باش!

بعد می‌رویم سراغ مراجعین که این‌جا مصیبت بالاتر است، چون رابطه، رابطه مستقیم است. چه مراجعینی به من مراجعه می‌کنند؟ از چه طایفه‌ای هستند؟ با چه شکل و قیافه‌ای می‌آیند؟ بیش از این اشاره نمی‌کنم. خودتان می‌توانید تطبیق دهید. آیا این مراجعین دیدارشان من را به یاد خدا می‌اندازد یا من را به یاد شیطان می‌اندازد؟ چه با قیافه‌اش، چه با سخن گفتنش و امثال اینها کدام نیروی درونی من را تحریک می‌کند؟

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی